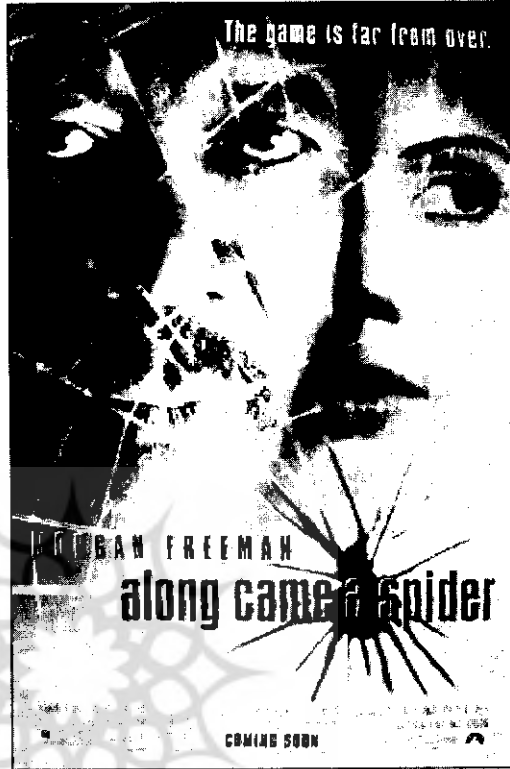


Along Came a Spider



کارگردان: لی تاماهوری / نویسنده فیلمنامه: مارک ماس
 براساس داستانی از جیمز پاترسون / موسیقی متن و رهبر
 ارکستر: جری گلداسمیت / بازیگران: مورگان فریمن (آلکس
 کراس)، مویکا پاتر (جاسوس سرویس مخفی، جری
 فلانینگان)

مایکل وینکات (گری سوتجی / جوانان رکوزیو)، مایکل
 موربارتی (سناتور هنگ رز) دایان بیکر (مامور ویژه، اولی،
 اولیور مک آر تور).

زمان فیلم: ۱۰۳ دقیقه و ۱۱ ثانیه مناسب برای سنین بالای ۱۵
 سال محصول ۲۰۰۱ آمریکا

واشنگتن دی. سی. زمان حال. مگان رز، دختر یک سناتور
 توسط گری سونجی بیماری روانی که قبلاً می‌پنداشته معلم
 است از مدرسه‌اش روده می‌شود. سونجی پس از آن با کارآگاه
 آلکس گراس تماس می‌گیرد که به خاطر مسابقه‌اش در پیگیری
 پرونده بیماران روانی مشهور است. کراس تحقیقات خود را
 شروع می‌کند جری فلانینگان به‌عنوان مأمور سرویس مخفی
 مسؤول امنیت مدرسه است. اما کراس حضور او را پنهان
 می‌کند. فلانینگان کراس را متقاعد می‌سازد که او را به‌عنوان
 همکار خود برگزیند.

کراس در تحقیقات خود به این نتیجه می‌رسد که هدف واقعی
 سونجی، دوست مگان پسر رییس جمهور روسیه است. کراس
 و فلانینگان از پسر بچه در برابر اقدام احتمالی سونجی محافظت
 می‌کنند. اما آدم ربا خود می‌گریزد. سونجی در بازگشت به
 محل اختفای خود درمی‌یابد که مگان گم شده است. از طرفی
 برای باز پس دادن مگان مبلغی پول به‌عنوان باج درخواست
 می‌شود.

سونجی به آپارتمان فلانینگان می‌رود و با او درگیر می‌شود اما
 کراس او را از پای درمی‌آورد، همانجا کراس متوجه می‌شود
 که سونجی از سوی بن دیویان مسؤول امنیت مدرسه و دوست
 فلانینگان مأموریت یافته تا مگان را بدزدد و دخترک را نیز
 دیویان با همدستی فلانینگان از سونجی تحول گرفته بودند.
 فلانینگان از ترس اینکه کراس از توطئه آنها بویایی برده باشد
 دیویان را به قتل می‌رساند. در آخرین لحظاتی که فلانینگان
 قصد دارد مگان را بکشد، کراس از راه می‌رسد و به سوی او
 شلیک می‌کند. فلانینگان کشته می‌شود و کراس با مگان آنجا
 را ترک می‌کند.

Ginger Snaps

کارگردان: جان فاوست / نویسنده فیلمنامه: کارن والتون
 براساس داستانی از کارن والتون و جان فاوست / بازیگران:
 امیلی پرکینز (بریجیت)، کاترین ایزابیل (جینجر)، کریس لمج
 (سام)، جیمی ماس (جیسون)، وائیل هامپتون (ترنیا)، پیتر
 کلنگان (آقای وین).

حومهٔ بابلی راونز در کانادا به خاطر کشتار سگ در منطقه دچار
 مشکل شده است. جینجر و بریجیت، دوخواهری که شاگرد
 مدرسه هستند قرار خودکشی بچگی‌شان را از نو تجدید می‌کنند.
 وقتی ترنیا در طی بازی هاکی در مدرسه به بریجیت حمله‌ور
 می‌شود، شب‌هنگام دو خواهر از منزل خارج می‌شوند و تصمیم
 می‌گیرند سگ‌ترنیا را بدزدند. اما در میانه راه یک گرگ - انسان
 که توسط وانت یکی از افراد محلی به نام سام که دلال مواد
 مخدر است خود را به آن محل رسانده مورد حمله قرار می‌گیرد.
 زخم‌های جینجر به طرز معجزه‌آسایی بهبود می‌یابند اما در
 عوض پس از مدتی شروع به دم درآوردن می‌کند. بعد از یک
 ماه دم او به شکل فزاینده‌ای رشد می‌کند.

جینجر، دوست پسر خود جیسون را در شرایط یک گرگ -
 انسان مورد حمله قرار می‌دهد و به او آسیب می‌رساند. بریجیت
 سعی می‌کند تا با وارد کردن یک حلقه نقره‌ای به داخل ناف
 او به معالجه‌اش بپردازد. ترنیا، پس از نزاع و درگیری با دو
 خواهر، به قتل می‌رسد و آنها او را دفن می‌کنند. بریجیت
 موقعی که جینجر داخل حمام است در راه روی او را قفل
 می‌کند و به سراغ سامی رود تا از او کمک بگیرد، اما جینجر
 فرار می‌کند. بریجیت به بدن جیسون معجون گیاهی که سام
 به او داده را وارد و او را معالجه می‌کند. در مدرسه جینجر معلم
 خود و سردمدار مدرسه را به قتل می‌رساند. در همین حال،
 مادرش، جسد ترنیا را پیدا می‌کند و به دنبال دختر هایش می‌گردد.
 همه یکدیگر را در جشن هالووین می‌بینند و در آنجا بریجیت
 توسط جینجر مبتلا می‌شود، اما ترتیبی می‌دهد که او را در
 وانت سام زندانی کند. جینجر، به یک گرگ - انسان کامل
 تبدیل می‌شود، سام را می‌کشد و سپس توسط بریجیت به
 قتل می‌رسد.

پرتال جامع علوم انسانی



دکتر دولیتل ۲

Dr. Dolittle 2

کارگردان: استیو کار / نویسنده فیلمنامه: لاری له‌وین، براساس داستان‌های دکتر دولیتل نوشته هیو لافتینگ / آهنگساز و رهبر ارکستر: دیوید نیومن / بازیگران: ادی مورفی (دکتر جان دولیتل)، کریستین ویلسون (لیزا دولیتل)، جفری جونز (جوزف پاتر)، کوین پولاک (جک ریلی)، کیلا پرات (مایا دولیتل) و ری‌ون سیمونه (چاریس دولیتل).
 زمان فیلم: ۸۷ دقیقه و ۲۵ ثانیه. مناسب برای تمامی سنین (برای کودکان با نظارت والدین). محصول ۲۰۰۱ آمریکا.
 سان فرانسیسکو، زمان حال. دکتر جان دولیتل، که می‌تواند با حیوانات صحبت کند، تصمیم دارد به ملاقات حیوانات جنگلی برود که قرار است توسط صنایع پانروود که تولیدکننده الوار است و شخصی به نام جوزف پاتر آن را اداره می‌کند، تخریب و تسطیح شود. حیوانات از دولیتل می‌خواهند که جنگل‌شان را نجات دهد. دولیتل موافقت می‌کند که به آنها کمک کند و در می‌یابد که جنگل، ماوای ماده خرسی از گونه Western Pacific به نام آوا است که در وضعیتی خطرناک به سر می‌برد (نسل آن رو به انقراض است). دولیتل متوجه می‌شود که اگر آوا از خرس نری از گونه خود بارور شود و توله‌هایی به دنیا بیاورد، جنگل از آسیب‌های موجود در امان خواهد ماند. دولیتل رد خرس مناسبی به نام آرچی را دنبال می‌کند. وی پس از دریافت حکم موقت دادگاه مبنی بر توقف قطع درختان جنگل توسط شرکت پاتر، با خانواده‌اش به

سمت جنگل حرکت می‌کند تا برای آمیزش آرچی و آوانقشه‌ای طرح کند.

آرچی که شیفته آوا شده است، از یک کندوی زنبورهای فوق‌العاده سمی، مقداری عسل می‌دزدد و خرس ماده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. دو خرس رابطه خود را به منتهای درجه می‌رسانند و آرچی توسط نیره بیهوش‌کننده‌ای مورد هدف قرار می‌گیرد، سپس توسط جک ریلی، وکیل پاتر در قفسی در یک فروشگاه نگاه‌داری می‌گردد. پاتر دوباره اجازه می‌یابد تا تسطیح جنگل را از سر گیرد. پس از صحبت‌های دولیتل، تمام حیوانات جنگل برای مقابله با بولدوزرهای پاتر سازماندهی می‌شوند. خبر این موضوع همه جا پخش می‌شود و خیلی زود ساکنان قلمرو حیوانات با یکدیگر متحد می‌شوند. پاتر شکست را می‌پذیرد. آرچی به دنیای وحش برگردانده می‌شود و رابطه‌اش را با آوا از سر می‌گیرد.

به خاطر شکلات متشکرم

Merci Pour Le Chocolat

کارگردان، کلود شابرول / نویسنده فیلمنامه: کلود شابرول و کارولین الیاجف، براساس رمان تار عنکبوت شکلاتی نوشته شارلوت آمسترانگ.
 بازیگران، ایزابل هوبر (ماری کلر میکامولر)، ژاک دوترون (آندره پولونسکی)، آنا مولاگلیسی (ژان پوله)، رودولف پاولی (گیوم پولونسکی)، میشل روبن (پاتو دوفرین)، ماتنو سیمونه (اکسل) / اجرای موسیقی: ارکستر سمفونیک فرانسه.

زمان فیلم: ۱۰۰ دقیقه و ۵۵ ثانیه، مناسب برای تمامی سنین (برای کودکان با نظارت والدین). محصول ۲۰۰۰ فرانسه و سوئیس.

لوزان سوئیس، زمان حال. ماری کلر میکامولر، مدیر یک کارخانه شکلات‌سازی با یک نوازنده پیانو به نام آندره که قبلاً در سن ۱۸ سالگی به مدت کوتاهی همسر او بوده، دوباره ازدواج می‌کند. در فاصله بین این دو ازدواج، آندره با لیزبت که حالا مرده، ازدواج کرده و پس از مرگ وی فرزندشان گیوم را بزرگ کرده است. شایعاتی وجود دارد که گیوم در زمان تولد با نوزاد دیگری جابجا و تعویض شده است.

آن نوزاد که اکنون یک شاگرد کلاس پیانو است، ژان نام دارد و دختر یک پزشک قانونی به نام مادام پوله اکسل عاشق او است.



ژان که از قضیه جابجایی و تعویض در کلینیک محل تولد خود مطلع شده، با آندره ملاقات می‌کند و خیلی زود بین آن دو رابطه‌ای عاشقانه بوجود می‌آید. ژان درمی‌یابد که لیزبت، پس از فرو رفتن در خواب، پشت فرمان اتومبیل خود جان سپرده است. میکا، فلاسک شکلات داغی را که مثل همیشه به طریقی که تردید ژان را برانگیزد آماده کرده، سرنگون می‌کند. ژان که پلوروش با شکلات لکه‌دار شده است، توسط آکس مورد سوال و جواب روانکاوانه قرار می‌گیرد و درمی‌یابد که نوشیدنی‌اش به داروی خواب‌آور rohypnol آغشته شده است. گیوم نگرانی ژان از اینکه نوشیدنی آغشته به دارو به منظور خوراندن به او تهیه گردیده را بی‌دلیل می‌داند و فاش می‌کند که وقتی لیزبت کشته شد، او و آندره با میکا به سر می‌برده‌اند. ژان دعوت می‌شود تا چند روزی را برای تعلیم پیانو با آندره بگذرانند و مادرش به او می‌گوید که با تلقیح مصنوعی آبستن شده است.

موقع شام میکا می‌گوید که یک فرزند خوانده است. او به نزدیکی بیشتر ژان و گیوم کمک می‌کند و ناخواسته روی پاهای پسرخوانده‌اش آب‌جوش می‌ریزد. داروی خواب‌آور آندره، که او حالا به آنها معتاد شده، تمام می‌شود. ژان به همراه گیوم که حالا در تردیدهای او شریک است، به شهر می‌رود تا چیزهای تازه‌ای گیر بیاورند.

آندره میکا را متهم می‌کند که با آغشته کردن نوشیدنی لیزبت، باعث مرگ او شده است. میکا همه چیز را می‌پذیرد. زمانی که پشت فرمان، خواب برژان غالب می‌گردد، مشخص می‌شود که او قهوه بعد از شام را نیز به داروی خواب‌آور آغشته کرده است. اتومبیل ژان به دیواری اصابت می‌کند. میکا و ژان هیچکدام صدمه نمی‌بینند. میکا، با بی‌اعتنایی به انتظار اجرای عدالت می‌ماند.



آزادی مشروط یک افسر

The Parole Officer

کارگردان: جان دوئیگان / نویسنده‌گان فیلمنامه: استیو کوگان، هنری نرمان / بازیگران: استیو کوگان (سایمون گاردن)، لانه‌دی (اما)، اوم پوری (جرج)، استیون و ادینگتون (جف)، بن میلر (کالین)، جنی اکونر (همسر ویکتور) و عمر شریف (ویکتور). تحت استاندارد tbc. محصول ۲۰۰۱ انگلستان.

انگلستان، زمان حال. سایمون گاردن، افسر پلیس نالیقی که در آزادی مشروط به سر می‌برد، از بلاک پول به منچستر منتقل می‌شود. در منچستر، اولین مورد کاری او یک دزد تفریحی اتومبیل کم سن و سال به نام کریستی است که یک اتومبیل پورشه حاوی مواد مخدر را به سرقت برده و مأمور فاسدی به نام دی‌آی برتون برایش پرونده‌سازی کرده است. سایمون، برتون را تا کلویی که توسط کوچران - مالک اتومبیل پورشه مسروقه و محموله مواد مخدر آن - اداره می‌شود، تعقیب می‌کند. سایمون به طور اتفاقی شاهد قتل دیکون - حسابدار کوچران - توسط برتون می‌شود. هدف برتون از به قتل رساندن دیکون حسابدار، نشان دادن ضرب شست به کوچران و منصرف ساختن وی از کتله‌گیری از تجارت مواد مخدر است. برتون به سایمون می‌گوید که اگر درباره این قضیه چیزی به کسی بگوید، قتل را به گردن وی خواهد انداخت. سایمون به خاطر می‌آورد که تمامی ماجرا توسط یک دوربین مدار بسته ضبط شده است و در می‌یابد که

کوچران این مدرک را در یک صندوق امانات در بانک وست کلاید نگهداری می‌کند. سایمون پس از مواجهه با سه تهیه‌کار دیگر در دفتر پلیس - جرج دوزنه، کالین کامپیونریاز و جف یکدنده - و استفاده از تجهیزات که احتمالاً از سرگروه دزدان - ویکتور - به جای مانده است، نقشه حمله به بانک برای دستیابی به نوار ویدئویی صحنه قتل را ترتیب می‌دهد. کریستی، همان سارق خرده پا که حالا به‌طور اتفاقی به‌خانه سایمون دستبرد زده، از او می‌خواهد تا در این ماجرا در کنارش باشد. سایمون به اما که یک پلیس زن است، می‌گوید که شاهد صحنه قتل حسابدار کوچران بوده است. اما در ابتدا حرفهای سایمون را باور نمی‌کند، ولی بی‌به رابطه‌ای میان برتون و مرد مرده می‌برد و قاتل را با این اوضاع روبرو می‌کند. برتون به خانه سایمون هجوم می‌برد و سر دیکون حسابدار را داخل حیاط خانه قرار می‌دهد. سایمون و گروهش دستگیری می‌شوند، اما خیلی زود توسط کریستی از زندان نجات پیدا می‌کنند. آنها توسط ویکتور، که هنوز زنده است در بانک شغلی دست و پا می‌کنند. گروه سایمون کاست ویدئو و مقدار زیادی پول را در صندوق امانات برتون می‌یابند. سایمون، نوار ویدئویی را به مراسمی می‌برد که در طی آن قرار است برای نجات کریستی از اتومبیل صدمه دیده به برتون مدال شجاعت داده شود. برتون دستگیر می‌شود. ویکتور با پولهای برتون پا به فرار می‌گذارد و سایمون نیز دست در دست اما، زندگی تازه‌ای را آغاز می‌کند.

Exit Wounds

کارگردان: آندره‌ی باز تکوویاک / نویسنده فیلمنامه: اد هاروویتز، ریچارد دوویدیو، برمنای رمانی از جان وسترمان / بازیگران: استیون سیگال (اورین بوید)، دی‌ام ایکس (لاترل واکر)، ایزابا واشینگتن (جرج کلارک)، آنتونی اندرسن (T.K.)، مایکل جای وایت (استرات)، بیل دوک (هینگز).

زمان فیلم: ۱۰۱ دقیقه و ۱۶ ثانیه، مناسب برای سنین بالای ۱۸ سال محصول ۲۰۰۱ آمریکا و استرالیا.

دیترویت، زمان حال. اورین بوید، افسر پلیسی که به شجاعت و انضباط معروف است، معاون رئیس جمهور آمریکا را از توطئه قتل که توسط یک نیروی شبه‌نظامی دست راستی در میشیگان ترتیب داده شده نجات می‌دهد. اما به عوض آنکه به خاطر عمل قهرمانانه‌اش مورد تقدیر قرار گیرد، به جرم مداخله در امور سازمان اطلاعات و امنیت مورد مؤاخذه و تنبیه قرار می‌گیرد و به حوزه پانزدهم، که حوزه‌ای انعطاف‌ناپذیر و نامناسب است منتقل می‌شود. با کمک همکاران تازه‌اش، جرج، کلارک و مجری یک برنامه Talk-show، بوید تحقیقات خود را درباره یک دلال مواد مخدر مرموز به نام لاترل واکر آغاز می‌کند. پس از توقیف ناخواسته و تصادفی یک افسر پلیس نفوذی به نام مونتینی - که خود را در یکی از اعضای باندهای مواد مخدر جازده - توسط بوید، وی به یک مأمور پلیس راهنمایی و رانندگی تنزل درجه پیدا می‌کند.

مونتینی ادعا می‌کند که موقع توقیف شدن توسط بوید، در حال تحقیق درباره واکر بوده است، اما بوید می‌داند که او در آن موقع به واکر مواد مخدر مصادره شده‌ای را می‌فروخته که قبلاً با همدستی چند مأمور پلیس فاسد دیگر از انبار اداره پلیس دزدیده



بوده است. بوید همچنین در می‌یابد که واکر در واقع یک میلیونر اینترنتی به نام لئون رولینز است که برادرش به‌خاطر پاپوشی که چند مأمور فاسد پلیس برایش دوخته بودند، مورد اتهام حمل هروئین واقع شده است. رولینز تجهیزات فوق‌العاده پیشرفته‌ای را برای آزاد ساختن برادرش به کار می‌گیرد. مونتینی بوید را می‌رباید و درصدد برمی‌آید تا او را به قتل برساند. اما بوید فرار می‌کند و با رولینز به نیروهای دیگر می‌پیوندد. در جدال نهایی، بوید کلارک و رولینز مأموران پلیس فاسد را که تحت فرماندهی یکی از رفقای مونتینی به نام ستوان استرات عمل می‌کنند، به قتل می‌رسانند. برادر رولینز آزاد می‌شود و پست سابق بوید به وی پیشنهاد می‌شود. اما ترجیح می‌دهد در همان حوزه پانزدهم کارش را ادامه دهد.

دگر دیسی

Evolution



کارگردان: ایوان ریتمن / نویسنده فیلمنامه: دیوید دایموند، دیوید وایزمن و دان زاکوبی / موسیقی: جان پاول / بازیگران: دیوید داجاونی (دکتر ایراکین)، اورلاندو جونز (هری بلاک)، شون ویلیام اسکات (وین گرین)، جولیان مور (الیسون رید) / تدله وین (ژانرال وودمن) و اتان سایلی (دیک).
زمان فیلم: ۱۰۱ دقیقه و پنجاه ثانیه مناسب برای تمام سنین (کودکان با نظارت والدین). محصول ۲۰۰۱ آمریکا.
 گلن کانیون، آریزونا. و این گرین که قرار است آتش نشان شود، روند نجات یک آدمک از درون آونک شعله‌ور را تمرین می‌کند، در همین حال یک شهاب آسمانی به زمین اصابت می‌کند و وارد غارهای زیرزمینی می‌شود. دکتر ایراکین، دانشمند سابق و اخراجی ارتش، و هری بلاک، زمین‌شناس کالجی در همان منطقه، پی

می‌برد که سطح شهاب سنگ از ماده‌ای پوشیده شده که حاوی موجودات فضایی تک‌سلولی است که به سرعت می‌توانند به موجودات چند سلولی تبدیل شده و به راحتی با اتمسفر زمین سازگار شوند. ژنرال وودمن، دشمن دیرینه ایرا و الیسون رید از مرکز کنترل بیماری‌ها، قبل از همه به محل برخورد شهاب سنگ می‌رسند و آنجا را به تصرف خود در می‌آورند. ایرا و هری، دزدانه به آنجا می‌روند تا روند رشد اکوسیستم موجودات فضایی را برآورد و ارزیابی کنند. حشره‌ای که از پوست انسان تغذیه می‌کند، هری را نیش می‌زند و باید به شکلی دردناک از بدن او جدا شود. در این حال، الیسون ناشی، به عوض اطاعت از مافوق‌های نظامی خود، به ایرا تمایل پیدا می‌کند. ایرا، هری و واین، موجود پرنده‌ای را دنبال می‌کنند که در واقع اولین موجود فضایی است که بر وضعیت اتمسفری زمین غالب شده است و آن را در یک مرکز خرید از بین می‌برند. فرماندار آریزونا به موضوع علاقه‌مند می‌شود و آن را پی‌گیری می‌کند. به او گفته می‌شود که موجودات فضایی ظرف چند روز در تمام ایالت پخش خواهند شد و از آن پس تهدید بزرگی برای بقای انسانها خواهند بود. موجودات فضایی با ظاهری شبیه حیوانات در غارهای زیرزمینی به پریمات‌هایی که توانایی استفاده از ابزار را دارند، تبدیل می‌شوند و آنقدر هوشیار هستند که بتوانند از محبس خود بیرون بیایند. وودمن در صدد برمی‌آید غارهای زیرزمینی را با بمب‌های ناپالم منهدم کند. اما ایرا و هری تصادفاً متوجه می‌شوند که آتش کمک می‌کند تا روند تکامل موجودات فضایی سریع‌تر شود! آنها به همراه الیسون به این نتیجه می‌رسند که یکی از اجزاء تشکیل دهنده شامپوی ضدشوره سر احتمالاً عامل مناسبی برای نابودی موجودات خواهد بود و به‌سرعت یک واحد آتش‌نشانی حاوی مواد این شامپو را به محل اصابت شهاب سنگ می‌برند. وودمن آن مکان را با بمب‌های ناپالم تخریب می‌کند و سبب می‌شود که موجودات فضایی به موجوداتی غول‌پیکر تبدیل شوند اما ایرا، هری و الیسون به همراه واین آنها را با تنقیح شامپو از پای در می‌آورند.

مولن روز، دوک وریچارد (ریچارد راکسبورو) بر سر نحوه تاهمین سرمایه کار بعدی خود مذاکره می‌کنند. ساتن که کریستین را یک دوک واقعی سر می‌پندارد، او را به اتاق خود دعوت می‌کند. در همین حین دوک واقعی سر می‌رسد و ساتن او را متقاعد می‌کند که بودجه نمایش را بپردازد و خود نیز می‌پذیرد در آن ایفای نقش کند.

با شروع تمرینات اولیه ساتن و کریستین هر روز یکدیگر را می‌بینند و پنهان از چشم دوک، باهم رابطه برقرار می‌کنند. پیشنهاد ازدواج دوک به ساتن و نزدیک شدن مراسم عقد، حسادت نویسنده جوان را بر می‌انگیزد. ساتن که به بیماری لاعلاجی مبتلاست، مرگ خود را نزدیک می‌بیند و به همین دلیل، کریستین را از خود می‌راند. دوک هم کریستین را تهدید می‌کند که اگر پاریس را ترک نکنند ساتن را خواهد کشت. در شب افتتاح نمایش، کریستین به روی صحنه می‌رود و آوازی از عشق به ساتن می‌خواند. ساتن هم از عشق متقابل خود به کریستین سخن می‌گوید. دوک سالن را ترک می‌کند ساتن می‌میرد و کریستین همه رویدادهای گذشته را به داستانی عاشقانه تبدیل می‌کند.

مولن روز

Moulin Rouge

کارگردان: باز لورمن. **فیلمنامه:** باز لورمن، کری گپرس. **مدیر فیلمبرداری:** دانلدام. **مک آلپاین**
تدوین: جیل بیل بیاک. **موسیقی:** کریگ ارمسترانگ. **محصول:** ۲۰۰۱ آمریکا / استرالیا
بازیگران: نیکول کیدمن، اوان مک گرگور، ریچارد راکسبورو، ماتيو، جان لگوویزمو، جیم برادینت
مونتاز: تره ۱۸۹۹. **کریستین (اوان مک گرگور)** جوان انگلیسی که در آرزوی نویسنده شدن است به پاریس می‌رود. آنجا با گروهی از هنرمندان سنت شکن از جمله ساتن و تولوز - لوترک برخورد می‌کند که در صدد به صحنه بردن یک نمایش هستند. آنها کار نوشتن نمایشنامه را به کریستین را می‌سپارند و همچنین از او می‌خواهند تا با نزدیک شدن به مدیر مولن روز - زایدلر - بودجه کار را از طریق وی تاهمین کند. هنگامی که کریستین به مولن روز می‌رسد زایدلر در جلسه‌ای باحضور ساتن (نیکول کیدمن)، ستاره

لارا کرافت: مهاجم مقبره

Lara Croft: Tomb Raider



کارگردان: سایمون وست / نویسنده فیلمنامه: پاتریک مارست و کالین ویلسون / بازیگران: آنجلینا جولی (لارا کرافت)، جان وویت (لرد کرافت)، نوا تیلور (برایس)، یان گلن (مانفرد پاول)، دانیل گریگ (آلکس وست)، کریستوفر باری (هیلاری).

تحت استاندارد Tbc

محصول ۲۰۰۱ آمریکا، آلمان، انگلستان و ژاپن انگلستان، زمان حال. دختری ماجراجو به نام لارا کرافت، در

خانه مجلل و اعیانی خود مشغول نبرد با روبات آموزشی خود است. درونیز، گروهی مرموز و پلید به نام ایلومیناتی وضعیتی را بررسی می‌کنند که توسط آن امکان بازگشت به زمان گذشته و کنترل وقایع تاریخی به وجود می‌آید. این وضعیت در صورتی فراهم می‌شود که دو نیمه «مثلث نور» که یک شیء باستانی است، به طور مناسب و درست به هم متصل شود. مانفرد پاول، نماینده جامعه ایلومیناتی، به همه اطمینان می‌دهد که دو قطعه جدا شده مثلث نور را پیدا کند. سارا در اتاقی مرموز (که کلید مخفی‌گاه دو نیمه مثلث در آن قرار دارد) ساعتی عجیب را پیدا می‌کند و بلافاصله با یک متخصص اشیاء عتیقه تماس می‌گیرد و ساعت را به او نشان می‌دهد. عتیقه‌فروش به وی خیانت می‌کند و همه قضایا را برای پاول بازگو می‌کند. آدمهای پاول به خانه لارا یورش می‌برند و ساعت را از آنجا می‌زدند. یک نامه‌رسان، از طرف پدر لارا که مرده است، نامه‌ای برای لارا می‌آورد که در آن درباره کلید و محل اختفای دو نیمه مثلث نوشته شده است.

لارا در مقبره نور رقصنده در کامبوج، یکی از نیمه‌های مثلث را به دست می‌آورد. درونیز، پاول به لارا می‌گوید که پدر لارا معلم او بوده است و به وی پیشنهاد می‌کند تا به همراه هم به دنبال نیمه دوم مثلث بگردند. در معبد ده هزار سایه در سیبری، پاول به کمک لارا نیمه دوم مثلث را پیدا می‌کند. پاول، دوست لارا، آلکس وست را به ضرب چاقو به قتل می‌رساند و لارا پس از این اتفاق، نیمه مثلثی را که در اختیار دارد به اجبار به پاول تحویل می‌دهد. پاول دو نیمه مثلث را به هم متصل می‌کند. در همان حال لارا ضربه سختی به پاول وارد می‌کند و با ورود به دروازه زمان، به زمانی برمی‌گردد که پدرش در قید حیات است و به او می‌گوید که باید مثلث را از بین ببرد. لارا درست پس از آن که پاول چاقو را از خود دور کرده، به زمان حال بازمی‌گردد و با همان چاقو وی را از پای درمی‌آورد.

فرشتگان نقاب‌دار

Hooded Angles

کارگردان: پل ماتیسوس / نویسنده فیلمنامه: پل ماتیسوس / بازیگران: چنتل استاندر (هانا) پل یوهانسن (وس)، جولیان ووتر (الی)، دیوید و کاس (بیلی)، گیدئون امهری (سیل) اماندا دونوهو (ویدو)

زمان فیلم: ۱۰۸ دقیقه و ۲۳ ثانیه مناسب برای سنین بالای ۱۸ سال محصول ۲۰۰۱ انگلستان

جنگ داخلی آمریکا سربازان شورشی شهر سیلور کریک را اشغال کرده و به زنان محلی تجاوز می‌کنند. یکی از زنان به نام هانا با مشاهده جسد پسر پنج ساله‌اش نامی که به ضرب گلوله سربازان کشته شده تنگی به دست می‌گیرد و چندتن از مهاجمان را به قتل می‌رساند.

چند سال می‌گذرد. چند نفر از زن‌ها گروهی موسوم به فرشتگان نقاب‌دار تشکیل داده‌اند که رو به غرب آمریکا در حال هجوم‌اند و سیر راه خود بانک‌ها را سرقت می‌کنند. فردی به نام وس نشانی را که گروه فرشتگان نقاب‌دار در محل وقوع یکی از جنایات خود باقی گذارده‌اند پیدا می‌کند و مطمئن می‌شود که اعضای این گروه باعث قتل پدرش در سیلور کریک بوده‌اند. پس، مصمم به اجرای عدالت، با سه نفر دیگر در جستجوی گروه زن‌ها به راه می‌افتد.

او و رفقاییش در حال استراحت در شهر، با هانا و همراهانش بر می‌خورد (که مدتی قبل از آن گروهی از معاونان کلانتر را که در تعقیب آنها بوده‌اند به قتل رسانده‌اند) وس با این تصور که دزدان قاعدتاً مرد هستند بدون آنکه به گروه زنها ظنن شود باهانا رابطه برقرار می‌کند. فرشتگان نقاب‌دار به بانک شهر دستبرد می‌زنند. سرقت مسلحانه با شکست روبرو می‌شود و زن‌ها متواری می‌شوند در نبردی تن به تن وس و هانا هر دو زخمی می‌شوند. و جک دوست وس، دختر یکی از همقطاران هانا به نام ویدو را هدف گلوله قرار می‌دهد. جک و دو تن از رفقاییش گروه زن‌ها را تعقیب می‌کنند و وس را در شهر باقی می‌گذارند تا بهبود یابد. وس تخته‌خواب بیماری را رها کرده و هانا را دستگیر می‌کند. هانا فرار می‌کند اما وس رد او را می‌گیرد تا به شهری دور افتاده و متروک می‌رسد که در آنجا قرار است هانا و دیگران به تجدید قوا و سازماندهی مجدد خود بپردازند. درست زمانی که به نظر می‌رسد دو گروه قرار است آتش بس موقت داشته باشند، الی رفیق هانا که از مردها متنفر است، بسته‌دینامیتی را در مسیر عبور کابوی‌ها پرتاب می‌کند و نبردی تن به تن آغاز می‌شود. در لحظه‌ای که الی می‌خواهد وس را به قتل برساند، هانا او را هدف قرار می‌دهد و خود توسط ویدو از پای در می‌آید. وس و رفقاییش اجازه می‌دهند ویدو صحنه‌کارزار را ترک کرده و فرار کند.



شده رابطه برقرار می‌کند و صبح روز بعد او را رها می‌کند. در مراجعه بعدی، جی به محل کار کلر، اندی جی را به کلر «معرفی» می‌کند. جی و کلر هر دو از رابطه‌شان خسته شده‌اند. کلر پس از ضیافت شامی که دوستش بتی نیز در آن حضور دارد، به شوهرش اندی که به رابطه او ظنن شده، می‌گوید که هیچگاه او را ترک نخواهد کرد. اندی با عصبانیت به محل کار جی می‌رود و به او پرخاش می‌کند، اما خیلی زود از آنجا خارج می‌شود. کلر به آپارتمان جی می‌رود. جی از او می‌خواهد تا آنجا بماند، اما کلر پس از گفتگو با او، آپارتمانش را ترک می‌کند.

Intimacy

کارگردان: پاتریس شرو / نویسندگان فیلمنامه: آن لونی تریویدی، پاتریس شرو براساس داستان‌هایی از حنیف قریشی / بازیگران: مارک ریلانس (جی)، کری فاکس (کلر)، تیموتی اسپال (اندی)، الستر گالبرایت (ویکتور)، فیلیپه کالواریو (یان)، ماریان فایس فول (بتی).
زمان فیلم: ۱۲۰ دقیقه و یک ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۸ سال، محصول ۲۰۰۰ فرانسه و انگلستان.

لندن، زمان حال. زنی هر چهارشنبه بعد از ظهر به آپارتمان مردی می‌رود و او را ملاقات می‌کند. آنها به یکدیگر عشق می‌ورزند، اما هیچ چیز راجع به یکدیگر نمی‌دانند. مرد که جی نام دارد در یک بار کار می‌کند. زن که نامش کلر است همسر یک راننده تاکسی به نام اندی است و از او یک پسر دارد. از طریق فلاش‌بک‌ها روشن می‌شود که جی اخیراً زن و دو پسر جوانش را ترک کرده است. جی با یان، همکار جوان فرانسوی خود طرح رفاقت می‌ریزد و به دوست قدیمی‌اش ویکتور برمی‌خورد که او نیز همسر و فرزندانش را ترک کرده است. جی که نسبت به کلر کنجکاو شده، او را تا خانه‌اش دنبال می‌کند و جایی را که به عنوان هنرپیشه تئاترهای آماتور مشغول کار است می‌یابد. او بدون آنکه ماهیت خود را آشکار کند با شوهر و پسرش طرح دوستی می‌ریزد. وقتی دوباره در صدد تعقیب کلر برمی‌آید، کلر متوجه او می‌شود و این دفعه او جی را تعقیب می‌کند. کلر در می‌یابد که جی به محل کار او پی برده است. جی با زن جوانی که در یک میهمانی با او آشنا

پوکمون ۳

Pokemon 3: Spell Of The Unown

کارگردانان: کونیچیکو یویاما و مایکل هاینی / نویسندگان فیلمنامه: تا که شی شود و هیده کی سونودا / ۷۳ دقیقه و ۲۸ ثانیه محصول ۲۰۰۱ ژاپن. پخش از کمپانی برادران وارنر. ژاپن، زمان حال. اسپنسر هال، یک مرد بیوه در جستجوی unown یک موجود افسانه‌ای از میان مخلوقات Pokemon است. او به دخترش مالی، کتابی را نشان می‌دهد که در آن دربارهٔ انتی - یک Pokemon با ظاهری شبیه به شیر مطالبی نوشته شده

است. هال با حفر کردن زمینی که به unownها مرتبط است، آنها را مورد آزار قرار می‌دهد و ناپدید می‌شود. یک unown به ملاقات مالی می‌رود. انتی یکباره ظاهر می‌شود و مالی تصور می‌کند که او پدرش است. انتی هال مانور و تمامی سرزمین اطراف آن را به کریستال تبدیل می‌کند. چند تن از مربی‌های Pokemon به نام‌های اش، میستی و براک، یکی از همکاران خود به نام لیزا را می‌بینند و در می‌یابند دره‌ای که قرار است به اتفاق از آنجا بازدید کنند به کریستال تبدیل شده است.

دلیا، مادر اش توسط انتی گرفتار می‌شود و به مانور منتقل می‌شود. در آنجا به خواب مغناطیسی فرو می‌رود و فکر می‌کند که مادر مالی است. اش، میستی و براک برای نجات وی اقدام می‌کنند.

آنها وارد منطقه کریستالی می‌شوند و در آنجا براک و میستی با Pokemon که با مالی در افتاده، درگیر می‌شوند و اش از دامنه بالاتر می‌رود تا بتواند مادرش را نجات بدهد، اما انتی و مالی باز می‌گردند. اش ناپدید می‌شود. چارلز، یک Pokemon بزرگ که وقایع را از طریق صفحه تلویزیون تماشا کرده است برای کمک سر می‌رسد، اما قدرت انتی طوری است که اراده مالی به هر شکل غلبه می‌یابد. در عین حال مالی جذب این گروه چند نفره می‌شود و به انتی فرمان می‌دهد که به طرف مقابل آسیبی نرساند. ولی unown در همان گیرودار انرژی فیزیکی فراوانی را آزاد می‌کند و دیگر به خواسته‌های مالی واکنشی نشان نمی‌دهد. انتی همه اعضای گروه را شکست می‌دهد و آنها را به قلمرو خودشان باز می‌گرداند. کریستال‌ها ناپدید می‌شوند و هال بازگردانده می‌شود.

